

بسمه تعالی



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده علوم اجتماعی

پایان نامه تحصیلی جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی

با عنوان :

((هویت دینی زنان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن))

استاد راهنما : آقای دکتر محمدحسین پناهی

استاد مشاور : آقای دکتر اردشیر انتظاری

دانشجو : مریم تقی‌زاده

سال تحصیلی ۸۸-۸۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتار

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر و با درود بر پیامبر رحمت، حضرت محمد مصطفی (ص) و خاندان طاهرینش؛ پروردگار مهربان را سپاسگزارم که به من فرصت داد و یاری‌ام نمود تا از منظر رشته مورد علاقه‌ام «جامعه‌شناسی»، به بررسی موضوع «هویت دینی زنان» که مدت‌ها ذهنم را به خود مشغول کرده بود بپردازم و شناخت عمیق‌تری نسبت به هویت انسانی و جنبه دینی آن پیدا کنم. چه آنکه هر یک از ما تنها با اتصال به آن مبدا هستی بخش و با تمسک به جبل‌المتین دین الهی، هویت اصیل انسانی خویشتن و معنای حقیقی وجود و زندگی را درمی‌یابیم. امید آنکه این تلاش علمی هر چند کوچک، به فضل خدای متعال برکت یابد و زمینه ساز گام‌های بلندتری در مسیر علم و دانش باشد.

در این مجال به مصداق «من لم یشکر المخلوق، لم یشکر الخالق»، بر خود فرض می‌دانم تا از اساتید گرانقدرم که مرا در پیمودن این مسیر یاری فراوان نمودند، قدردانی نمایم. از این رو، از استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر محمدحسین پناهی که با راهنمایی‌های مشفقانه خود روشنگر راه تحقیق حاضر بودند و همچنین از استاد ارجمندم جناب آقای دکتر اردشیر انتظاری، که استاد مشاور این پژوهش بودند و از کمک‌ها و راهنمایی‌های ارزنده ایشان نیز بهره‌مند شدم، کمال تشکر را دارم.

در پایان، خالصانه ترین و ژرف ترین سپاس‌ها را تقدیم پدر و مادر عزیز، مهربان، دلسوز و فداکارم می‌نمایم که با حمایت‌های بی‌دریغشان، از اوان طفولیت تا کنون، مرا در پیمودن مسیر زندگی و دستیابی به موفقیت‌های گوناگون، همراهی نموده‌اند.

والسلام علی من التبع الهدی

مریم تقی زاده

بهمن ماه ۱۳۸۷

چکیده

هویت دینی و تغییرات آن، از جمله حوزه‌های مطالعاتی است که در عین ضرورت و احساس نیاز، کمتر بدان پرداخته شده است و لذا زمینه بکر و مناسبی جهت انجام پژوهش و دستیابی به نتایج بدیع و قابل توجه است. بر این اساس، در تحقیق حاضر، عوامل جامعه‌شناختی مرتبط با هویت دینی زنان، که از مهم‌ترین عناصر فرهنگ‌ساز هر جامعه هستند، مورد بررسی قرار گرفته است. هدف اصلی این پژوهش، بررسی نگرش زنان نسبت به خویش‌دینی خویش و تعریف آنان از هویت دینی‌شان و همچنین شناسایی بخشی از عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر فرایند شکل‌گیری هویت دینی زنان است. چارچوب نظری تحقیق نیز، ترکیبی از آرای «پی‌یر بوردیو» و برآیند نظرات اندیشمندان مکتب کنش متقابل نمادین است که ضمن آن رابطه میان هویت و انواع سرمایه‌های نمادین اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نقش این سرمایه‌ها در شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی را تشریح نموده و هویت دینی زنان در ابعاد چهارگانه فردی (دینداری)، اجتماعی، تاریخی و فرهنگی مورد مطالعه قرار گرفت. اصلی‌ترین فرضیه برآمده از چارچوب نظری تحقیق مذکور عبارت است از اینکه بین سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی زنان و هویت دینی آنان همبستگی وجود دارد که مورد آزمون قرار گرفت. تحقیق حاضر از روش تحقیق پیمایشی (survey)، پیروی می‌کند و جامعه آماری آن، شامل زنان ۲۰ ساله به بالای ساکن شهر تهران می‌باشد که از این میان به روش نمونه‌گیری قضاوتی - تصادفی، نهایتاً از سه منطقه شهر تهران، ۴۰۰ نفر نمونه برای پاسخگویی به پرسشنامه‌های تحقیق انتخاب شدند.

بر این اساس، نتایج توصیفی پژوهش حاکی از آن است که میانگین سنی پاسخگویان ۳۴ سال بوده است و از این میان، در مجموع ۹۲ درصد از پاسخگویان از هویت دینی در سطح قوی و متوسط برخوردار بوده‌اند. در بخش نتایج تبیینی، بررسی فرضیه اصلی نشان داد که با افزایش سرمایه فرهنگی زنان، هویت دینی آنها تضعیف می‌شود. از سوی دیگر، با افزایش سرمایه اجتماعی زنان، هویت دینی آنها نیز قوی‌تر می‌شود. از ترکیب این دو شاخص، متغیر انواع سرمایه‌های نمادین زنان پاسخگو ساخته شد و بررسی رابطه این متغیر با هویت دینی، حاکی از آن بود که با افزایش میزان سرمایه کلی زنان، هویت دینی آنها افزایش می‌یابد. در پایان پژوهش نیز پیشنهادات مطالعاتی و کاربردی ارائه شده است. نهایتاً به نظر می‌رسد بررسی هویت دینی در صورت بهره‌گیری از روش‌های کیفی هم می‌تواند شناخت و بصیرت بیشتری نسبت به این موضوع حاصل نماید.

فهرست خلاصه

عنوان

صفحه

فصل اول: کلیات تحقیق

مقدمه	۱
طرح مساله	۳
ضرورت و اهمیت پژوهش	۷
اهداف پژوهش	۸
سیر تاریخی مطالعه هویت	۸
ارتباط مفهوم هویت با مفهوم سوژه	۱۰
هویت و منزلت زن از منظر اسلام	۱۳
مروری بر مطالعات پیشین	۲۸
جمع بندی	۵۵

فصل دوم: مبانی نظری

مقدمه	۴۲
مفهوم شناسی هویت و انواع آن	۴۲
رهیافت فلسفی به هویت	۴۹
نظریه های روانشناختی	۵۱
رهیافت روانشناسی اجتماعی به هویت	۶۲
نظریه های جامعه شناختی	۶۵
رویکرد نظریه های فمینیستی به هویت	۱۰۶
مفهوم هویت دینی و کارکردهای آن	۱۱۳
هویت شناسی مذهبی ایرانیان	۱۲۰
چارچوب نظری	۱۲۲
فرضیه های تحقیق	۱۳۲

فصل سوم: روش تحقیق

روش تحقیق	۱۳۳
-----------	-----

تعریف نظری و عملیاتی هویت دینی (متغیر وابسته).....	۱۳۶
تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای مستقل.....	۱۴۸
جامعه آماری و حجم نمونه.....	۱۶۲
شیوه نمونه گیری.....	۱۶۳
پایایی و روایی ابزارهای اندازه گیری.....	۱۶۵

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها

یافته‌های توصیفی.....	۱۶۸
ویژگیهای زمینه ای پاسخگویان.....	۱۶۸
پایگاه اقتصادی و اجتماعی پاسخگویان و خانواده آنها.....	۱۶۹
وضعیت هویت دینی پاسخگویان.....	۱۷۸
وضعیت انواع سرمایه (اجتماعی و فرهنگی) پاسخگویان.....	۱۹۳
میزان استفاده پاسخگویان از رسانه‌های جمعی.....	۲۰۲
وضعیت دینداری والدین از منظر پاسخگویان.....	۲۰۳
یافته‌های تبیینی.....	۲۰۵
رابطه هویت دینی با انواع سرمایه (فرهنگی و اجتماعی) پاسخگویان.....	۲۰۵
رابطه پایگاه اقتصادی- اجتماعی با هویت دینی، سرمایه فرهنگی و اجتماعی و دینداری والدین.....	۲۰۸
رابطه پایگاه اقتصادی- اجتماعی با میزان استفاده از انواع رسانه‌های جمعی.....	۲۱۱
رابطه هویت دینی با دینداری والدین، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و ویژگی‌های فردی پاسخگویان.....	۲۱۴
تجزیه و تحلیل رگرسیونی رابطه ها.....	۲۱۸
تحلیل مسیرمتغیرها.....	۲۲۴

فصل پنجم: نتیجه گیری

اهداف اصلی و فرایند تحقیق.....	۲۲۷
مروری بر یافته‌های تحقیق.....	۲۲۸
بحث نظری.....	۲۳۶
موانع و مشکلات تحقیق.....	۲۳۹
پیشنهادات و راهکارهای تحقیق.....	۲۴۱
فهرست منابع.....	۲۴۵

فهرست تفصیلی

صفحه	عنوان
فصل اول: کلیات تحقیق	
۱	مقدمه
۳	طرح مساله
۷	ضرورت و اهمیت پژوهش
۸	اهداف پژوهش
۸	سیر تاریخی مطالعه هویت
۱۰	ارتباط مفهوم هویت با مفهوم سوژه
۱۱	الف) سوژه روشنگری
۱۱	ب) سوژه مدرن (جامعه‌شناختی)
۱۲	ج) سوژه پست مدرن
۱۳	هویت و منزلت زن از منظر اسلام
۲۸	مروری بر مطالعات پیشین
۲۸	تحقیقات انجام شده در حوزه «هویت اجتماعی زنان»
۳۴	پژوهش‌های مرتبط با موضوع هویت دینی
۵۵	جمع بندی
فصل دوم: مبانی نظری	
۴۲	مقدمه
۴۲	مفهوم‌شناسی هویت و انواع آن
۴۴	هویت فردی
۴۶	هویت جمعی و انواع آن
۴۹	رهیافت فلسفی به هویت
۵۱	نظریه‌های روانشناختی
۵۱	نظریه روانکاوی (psychoanalysis)
۵۹	نظریه پویایی روانی - اجتماعی رفتار

۶۱ مکتب رفتارگرایی
۶۲ رهیافت روانشناسی اجتماعی به هویت
۶۲ نظریه دسته‌بندی اجتماعی تاجفل
۶۵ نظریه‌های جامعه‌شناختی
۶۵ نظریه همبستگی اجتماعی دورکیم
۶۷ دیدگاه تالکوت پارسونز
۷۰ مکتب کنش متقابل نمادین، مفهوم خود و هویت
۸۰ الف) تعامل‌گرایان ساختی
۸۱ ب) تعامل‌گرایان فرایندی
۸۳ نظریه‌های جامعه‌شناسان تلفیقی در باب هویت
۱۰۶ رویکرد نظریه‌های فمینیستی به هویت
۱۰۹ الف) نظریه‌ی فمینیستی لیبرال، اصلاح‌طلب
۱۰۹ ب) فمینیسم مارکسیستی
۱۱۰ ج) نظریه فمینیستی رادیکال و انقلابی
۱۱۱ د) فمینیسم سوسیالیستی
۱۱۳ مفهوم هویت دینی و کارکردهای آن
۱۱۶ الف) هویت دینی مبتنی بر فقه
۱۱۶ ب) هویت دینی مبتنی بر اخلاق
۱۱۷ ج) هویت دینی مبتنی بر عرفان
۱۱۸ د) هویت دینی ایدئولوژیک
۱۲۰ هویت‌شناسی مذهبی ایرانیان
۱۲۲ چارچوب نظری
۱۳۲ فرضیه‌های تحقیق
فصل سوم: روش تحقیق	
۱۳۳ روش تحقیق
۱۳۵ شیوه گردآوری داده‌ها

- واحد تحلیل ۱۳۵
- تعریف نظری و عملیاتی هویت دینی (متغیر وابسته) ۱۳۶
- تعریف نظری ابعاد چهارگانه هویت دینی ۱۳۷
- الف) بعد فردی هویت دینی ۱۳۷
- ب) بعد اجتماعی هویت دینی ۱۳۸
- ج) بعد تاریخی هویت دینی ۱۳۸
- د) بعد فرهنگی هویت دینی ۱۳۹
- تعریف عملیاتی هویت دینی ۱۳۹
- الف) تعریف عملیاتی دینداری (بعد فردی هویت دینی) ۱۴۰
- ب) تعریف عملیاتی بعد اجتماعی هویت دینی ۱۴۴
- ج) تعریف عملیاتی بعد تاریخی هویت دینی ۱۴۵
- د) تعریف عملیاتی بعد فرهنگی هویت دینی ۱۴۷
- تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای مستقل ۱۴۸
- تعریف نظری و عملیاتی سرمایه فرهنگی ۱۴۸
- الف) تعریف نظری و عملیاتی سرمایه فرهنگی تجسیدی ۱۴۹
- ب) تعریف نظری و عملیاتی سرمایه فرهنگی عینیت یافته ۱۵۲
- ج) تعریف نظری و عملیاتی سرمایه فرهنگی نهادینه ۱۵۳
- تعریف نظری و عملیاتی سرمایه اجتماعی ۱۵۴
- الف) عضویت در گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی (حجم شبکه‌های ارتباطی) ۱۵۵
- ب) برخورداری از روابط حمایت‌کننده اجتماعی ۱۵۶
- ج) اعتماد متقابل ۱۵۷
- تعریف نظری و عملیاتی پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده ۱۵۸
- تعریف نظری و عملیاتی وضعیت دینداری والدین ۱۵۹
- تعریف نظری و عملیاتی رسانه‌های جمعی ۱۶۰
- تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای زمینه‌ای ۱۶۱
- جامعه آماری ۱۶۲

۱۶۲	حجم نمونه
۱۶۳	شیوه نمونه گیری
۱۶۵	پایایی و روایی ابزارهای اندازه گیری
۱۶۵	الف) پایایی یا قابلیت اعتماد
۱۶۷	ب) روایی یا اعتبار

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده ها

۱۶۸	یافته‌های توصیفی
۱۶۸	ویژگیهای زمینه ای پاسخگویان
۱۶۸	سن پاسخگویان
۱۶۹	وضعیت تأهل زنان پاسخگو
۱۶۹	پایگاه اقتصادی و اجتماعی پاسخگویان و خانواده آنها
۱۷۰	آخرین مدرک تحصیلی پاسخگویان
۱۷۱	وضعیت اشتغال پاسخگویان
۱۷۱	درآمد پاسخگویان
۱۷۲	وضعیت مسکن پاسخگویان
۱۷۲	متراژ تقریبی منزل مسکونی
۱۷۳	وضعیت مالکیت اتومبیل شخصی
۱۷۳	نوع و مدل اتومبیل پاسخگویان
۱۷۴	میزان تحصیلات پدر هریک از پاسخگویان
۱۷۴	میزان تحصیلات مادر هریک از پاسخگویان
۱۷۵	شغل پدر
۱۷۶	وضعیت اشتغال مادر
۱۷۶	میزان درآمد ماهانه پدر
۱۷۷	میزان درآمد ماهانه مادران شاغل
۱۷۸	وضعیت هویت دینی پاسخگویان
۱۷۹	دینداری پاسخگویان

- الف) اعتقادات دینی پاسخگویان ۱۸۰
- ب) عاطفه دینی پاسخگویان ۱۸۱
- ج) پایبندی پاسخگویان به مناسک دینی ۱۸۳
- بعد جمعی هویت دینی ۱۸۴
- الف) تعلق خاطر دینی پاسخگویان ۱۸۵
- ب) تعهد دینی پاسخگویان ۱۸۷
- بعد تاریخی هویت دینی پاسخگویان ۱۸۹
- الف) دانش تاریخی پاسخگویان ۱۸۹
- ب) تعلق خاطر تاریخی پاسخگویان ۱۹۰
- بعد فرهنگی هویت دینی پاسخگویان ۱۹۲
- وضعیت انواع سرمایه (اجتماعی و فرهنگی) پاسخگویان ۱۹۳
- سرمایه فرهنگی زنان پاسخگو ۱۹۴
- الف) سرمایه تجسیدی پاسخگویان ۱۹۵
- ب) سرمایه عینیت یافته پاسخگویان ۱۹۷
- ج) سرمایه نهادینه پاسخگویان ۱۹۸
- سرمایه اجتماعی پاسخگویان ۱۹۹
- الف) حجم شبکه ارتباطی پاسخگویان ۱۹۹
- ب) میزان برخورداری پاسخگویان از روابط حمایت کننده اجتماعی ۲۰۰
- ج) میزان اعتماد متقابل پاسخگویان ۲۰۰
- میزان استفاده پاسخگویان از رسانه‌های جمعی ۲۰۲
- الف) میزان استفاده از رسانه‌های داخلی ۲۰۲
- ب) میزان استفاده از رسانه‌های خارجی ۲۰۳
- وضعیت دینداری والدین از منظر پاسخگویان ۲۰۳
- الف) وضعیت دینداری پدر پاسخگویان (از نظر پاسخگویان) ۲۰۴
- ب) میزان دینداری مادر پاسخگویان (از نظر پاسخگویان) ۲۰۴
- یافته‌های تبیینی ۲۰۵

- ۲۰۵ رابطه هويت دينى با انواع سرمايه (فرهنگى و اجتماعى) پاسخگويان.
- ۲۰۶ الف) رابطه هويت دينى با سرمايه فرهنگى پاسخگويان
- ۲۰۷ ب) رابطه هويت دينى با سرمايه اجتماعى پاسخگويان
- ۲۰۸ رابطه پايگاه اقتصادى - اجتماعى با هويت دينى
- ۲۰۹ رابطه پايگاه اقتصادى - اجتماعى با سرمايه فرهنگى
- ۲۱۰ رابطه پايگاه اقتصادى - اجتماعى با سرمايه اجتماعى
- ۲۱۱ رابطه پايگاه اقتصادى - اجتماعى با ديندارى والدين
- ۲۱۱ رابطه پايگاه اقتصادى - اجتماعى با ميزان استفاده از انواع رسانه‌هاى جمعى
- ۲۱۲ الف) رابطه پايگاه اقتصادى - اجتماعى با ميزان استفاده از رسانه‌هاى داخلى
- ۲۱۳ ب) رابطه پايگاه اقتصادى - اجتماعى با ميزان استفاده از رسانه‌هاى خارجى
- ۲۱۴ رابطه هويت دينى با ديندارى والدين
- ۲۱۵ رابطه هويت دينى با ميزان استفاده از رسانه‌هاى جمعى
- ۲۱۵ الف) رابطه هويت دينى با ميزان استفاده از رسانه‌هاى داخلى
- ۲۱۶ ب) رابطه هويت دينى با ميزان استفاده از رسانه‌هاى خارجى
- ۲۱۷ رابطه هويت دينى با ويژگى‌هاى فردى پاسخگويان
- ۲۱۸ تجزيه و تحليل رگرسيونى رابطه ها
- ۲۲۰ تحليل رگرسيونى ساده متغيرهاى واسط با شاخص پايگاه اقتصادى - اجتماعى
- ۲۲۱ تحليل رگرسيونى چند متغيره عوامل مؤثر بر هويت دينى
- ۲۲۴ تحليل مسيرمتغيرها

فصل پنجم: نتيجه گيرى

- ۲۲۷ اهداف اصلى و فرايند تحقيق
- ۲۲۸ مرورى بر يافته‌هاى تحقيق
- ۲۲۸ الف) مهم ترين يافته‌هاى توصيفى
- ۲۲۹ ب) مهم ترين يافته‌هاى تبينى (على)
- ۲۳۶ بحث نظرى
- ۲۳۹ موانع و مشكلات تحقيق

پیشنهادات و راهکارهای تحقیق ۲۴۱

الف) پیشنهادات مطالعاتی ۲۴۱

ب) پیشنهادات عملیاتی (کاربردی) ۲۴۲

فهرست منابع

الف) منابع فارسی ۲۴۵

ب) منابع انگلیسی ۲۵۲

ضمایم

نمونه پرسشنامه ۲۵۳

فصل اول: کلیات تحقیق

مقدمه:

انسان تنها موجودی است که بدون دستیابی به درکی صحیح از چیستی و کیستی خود، نه می‌تواند به عنوان انسان موجودیت داشته باشد و نه می‌تواند در مسیر حرکت وجودی‌اش، تکامل یابد. بنابراین ارائه تعریفی صحیح از هویت و خویش‌شناسی، ضرورتی انکارناپذیر برای انسان امروز است. این امر به ویژه در رابطه با زنان که از مهمترین و فرهنگ‌سازترین اقشار جامعه هستند و تربیت و جامعه‌پذیری نسل آینده را بر عهده دارند، از اهمیت افزون‌تری برخوردار است. به خصوص آنکه در دهه‌های اخیر، به علت افزایش تأثیرات فرایند تجدد بر حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی، تحولاتی رخ نشان داده که موجب تغییر در نقش‌ها و ارتقای آگاهی زنان شده و در عین حال سبب‌ساز بروز تعارضاتی در هویت اجتماعی زنان گردیده است.

از دیگر سو، تأثیر بنیادین نهاد دین به عنوان یکی از منابع اصلی هویت‌ساز و هویت‌بخش و همچنین نقش هویت دینی به عنوان یکی از سطوح و عناصر تشکیل‌دهنده هویت، چه در وجه سنتی و چه در وجه مدرن آن، به ویژه در جامعه دینی و ایدئولوژیکی چون ایران بر کسی پوشیده نیست. در دهه‌های اخیر، به علت افزایش تأثیرات فرایند تجدد بر حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی، تحولاتی رخ نشان داده که موجب تغییر در نقش‌ها و ارتقای آگاهی زنان شده است و در عین حال سبب‌ساز بروز تعارضاتی در هویت اجتماعی زنان گردیده است.

در حال حاضر، با توجه به ظهور انواع هویت‌های اجتماعی جدید و چندپاره، شاهد توجه روز افزون به مباحث هویتی و تلاش برای شناخت منابع هویت‌ساز در عرصه مطالعات اجتماعی هستیم. در این میان هویت دینی و تغییرات آن، از جمله حوزه‌های مطالعاتی است که در عین ضرورت و احساس نیاز، کمتر بدان پرداخته شده است و لذا زمینه بکر و مناسبی جهت انجام پژوهش و دستیابی به نتایج بدیع و قابل توجه است.

البته در خصوص نقش دین و جایگاه هویت دینی در جامعه مدرن، نظرات مختلف و حتی متضادی وجود دارد. گروهی از جامعه‌شناسان معتقدند توسعه و گسترش عقلانیت که جان مایه تفکر مدرن است، با میدان دادن به تفاوت‌های فردی در تفکر و سبک زندگی، سبب ایجاد تغییر در حوزه باورها و اعتقادات دینی و نهاد دین در شکل سنتی آن شده و بسیاری معتقدند که این امر به تدریج، منجر به کاهش نقش اجتماعی و سیاسی دین و محدود شدن مسایل دینی و ایمانی به حوزه خصوصی افراد گردیده است و فرایند سکولار شدن ناشی از بسط مدرنیته، با قدرت و قوت روز افزون در عرصه حیات اجتماعی به پیش می‌رود. در مقابل، بسیاری از متخصصان فرهنگ‌شناسی و جامعه‌شناسی دین، نظری متفاوت دارند و معتقدند نشانه‌ای قوی دال بر ضعف و سستی دین و اعتقادات و باورهای دینی افراد وجود ندارد. این صاحب‌نظران، ملازمه ای میان مدرنیته و دین‌گریزی نمی‌شناسند. به علاوه، یافته‌های بسیاری از پژوهش‌ها حاکی از آن است که جایگاه و اهمیت دین در ذهن افراد در جامعه مدرن کم اهمیت‌تر از گذشته نیست، بلکه دین منشا مهم و مثبت در فرایند هویت‌سازی می‌باشد. به رغم همه پیش‌بینی‌های متفاوتی که بر افول دین در دنیای معاصر تاکید دارد، دین و ارزش‌های فرامادی منتج از آن، جایگاه خود را در جامعه چندان از دست نداده‌اند و در حقیقت ارزش‌های فرامادی است که عرصه اجتماعی و فرهنگی را تحت تاثیر قرار داده‌اند.

با توجه به این مقدمات، انسان ایرانی و در این تحقیق «زن ایرانی»، فردی است که در عین تأثیرپذیری از شرایط یک جامعه در حال گذار، از یک پیشینه غنی فرهنگی برآمده از مولفه‌های تمدن ایران باستان و آموزه‌های دین اسلام، برخوردار است. البته توجه به این نکته ضروری است که در عصر حاضر و در شرایط کنونی، میزان و چگونگی رویکرد افراد و گروه‌های اجتماعی به دین و به تبع آن هویت دینی آنان، در اثر تحولات اجتماعی و به ویژه تحت تأثیر ویژگی‌های مدرنیته دچار دگرگونی‌هایی شده است. از این رو، هدف اصلی این پژوهش، دستیابی به تعریفی دقیق از هویت دینی زنان و شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر بر آن خواهد بود.

طرح مساله:

مفهوم «هویت» طی چند دهه اخیر، صاحب‌نظران عرصه‌های گوناگونی از جمله جامعه‌شناسی را به خود مشغول داشته است. تحولات دهه‌های اخیر، چه در زمینه‌های فرهنگی و چه در عرصه‌های ساختاری، به تعدد و تنوع و آگاه‌تر شدن منابع هویت‌ساز منجر شده و گسترش نوگرایی و نوسازی در عرصه جهانی و همچنین فرایند جهانی شدن، در بسیاری از اقسام به ویژه در میان زنان و جوانان به بحران هویت دامن زده است.

ساختار سنتی خانواده که عمدتاً مبتنی بر تفاوت‌های جنسیتی و تقسیم کار ناشی از آن است، در دهه‌های اخیر، تحت تأثیر تحولات روزافزون اجتماعی و فرهنگی به واسطه فرایندهای جدایی‌ناپذیر اشتغال و آگاهی زنان به چالش کشیده شده است. تحصیلات عالی و اشتغال زنان، از سویی باعث کسب ارزش‌ها، نگرش‌ها و برداشت‌های جدید و از سوی دیگر سبب دشواری در هماهنگ‌کردن نقش‌های سنتی با نقش‌های مدرن شده و به نظر می‌رسد، به ایجاد تغییراتی در هویت زنان منتهی شده است؛ به ویژه در بخش‌هایی از جامعه که بیشتر در معرض این تغییرات نهادی و فرهنگی قرار گرفته‌اند. از آنجا که هویت شرط لازم زندگی اجتماعی است و ارتباط معنادار و مستمر زنان با یکدیگر و با جامعه، بدون آن ممکن نیست، تنها راه حل، بازتعریف و بازسازی هویت زنان توسط خود آنهاست. از این رو فرایند هویت‌یابی که پیش از وقوع این تحولات و در جامعه سنتی، عمدتاً منفعلانه و مبتنی بر عوامل انتسابی به ویژه جنسیت بود و توسط نهادهای سنتی که نظام‌های معنایی تولید می‌کردند، شکل می‌گرفت، تحت تأثیر انبوه منابع اجتماعی و فرهنگی، توسعه روابط اجتماعی و افزایش تعلقات گروهی و نیز آزادی و استقلال نسبی زنان در خانواده، صورتی فعال، آگاهانه و اغلب بازاندیشانه به خود می‌گیرد و دگرگونی ترکیب عناصر هویت بخش به بازسازی مداوم هویت اجتماعی زنان منجر می‌شود.

در این میان «دین» به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع هویت‌ساز جامعه ایرانی مطرح می‌شود به گونه‌ای که شناخت هویت اجتماعی و سبک زندگی ایرانیان، بدون فهم شاکله دینی آنها میسر نخواهد شد. جستجو در تاریخ ایران زمین، حاکی از آن است که روح و جان ایرانیان چه پیش و چه پس از اسلام، با اعتقاد به ادیان توحیدی عجین شده است و از این رو، دین به عنوان عنصری مهم در تمایز فرهنگ و تمدن

ایرانیان از سایر ملل، در هویت بخشی به آنان نقش اساسی داشته است و هویت دینی، اصلی ترین ارکان هویت ما را شکل می بخشد. البته توجه به این نکته، ضروری است که در عصر حاضر و در شرایط کنونی، میزان و چگونگی رویکرد افراد به دین و به تبع آن، هویت دینی آنان، تحت تأثیر تحولات اجتماعی و به خصوص تحت تأثیر ویژگی های مدرنیته، دچار دگرگونی هایی شده است. با توجه به سرعت و دامنه تحولات و تغییرات موجهه در عرصه اعتقادات و باورهای دینی و مذهبی و شکل گیری سبک های متفاوت دینداری متأثر از افزایش آزادی های فردی، اهمیت یافتن نگاه عقلانی به مسایل و پذیرش «انتخاب آزاد» به عنوان یکی از ارزش های مدرن و همچنین گسترش مبادلات فرهنگی در فرایند جهانی شدن و نیز اقتضانات سبک زندگی، شاهد پدید آمدن هویت های دینی جدیدی هستیم که برداشت ها و تفاسیر متنوع و متفاوتی از آموزه های اعتقادی و احکام رفتاری دین دارند. این هویت های چندگانه و جدید اجتماعی و دینی در میان زنان، به خصوص با توجه به تعریف اسلام از منزلت و جایگاه خانوادگی و اجتماعی آنان، از ابعاد مختلفی قابل توجه است. نخست آنکه زنان با ایفای نقش مادری در خانواده، یکی از اصلی ترین عناصر فرایند هویت یابی و جامعه پذیری فرزندان و نسل آینده جامعه هستند و بر هویت دینی و سبک دینداری نسل های آتی جامعه تأثیر گذارند. در واقع «زن» از این منظر، عنصری «فرهنگ ساز» تلقی می شود که دین را به عنوان یکی از عناصر فرهنگی از نسلی به نسل دیگر منتقل می کند. ثانیاً به سبب احکام خاص عملی که بر رفتار دینی زنان مترتب است، مانند حجاب اسلامی و پوشش خاص، که رکن مهمی از هویت اعتقادی زنان جامعه اسلامی و عنصری عزت آفرین و هویت بخش و نماد زن ایرانی مسلمان بوده و هست و همچنین چارچوب ها و محدودیت هایی که در برقراری ارتباط با مردان وجود دارد، بنابراین التزام به باورها و اعمال دینی در میان بانوان نمود بیشتری دارد. از دیگر سو، اهمیت توجه به ارزش ها و اعتقادات دینی در برقراری نظم اجتماعی و ارائه الگوی متعالی حیات انسانی، غیرقابل انکار است و بیگانگی از مبانی ارزشی آن، خصوصاً با توجه به آمیختگی فرهنگ اسلامی و ایرانی در هویت بخشی به آحاد جامعه، سبب ایجاد گسست نسلی، تناقضات ارزشی و بحران هویتی در اقشار و گروه های اجتماعی مختلف به ویژه زنان و جوانان خواهد شد.

در جوامع انقلابی و در حال گذار، از هویت زنان در ساخت هویت کلی اجتماع و تحکیم هویت در حال تحول جامعه استفاده می‌شود. در موارد بسیاری، از زنان به عنوان عامل تحکیم یا تحقیر هویت ملی یاد شده است؛ به این معنا که بها دادن به زنان، باعث تحکیم دین و هویت ملی می‌شود. از همین رو می‌توان نتیجه گرفت که هویت زنان، مرز ارزش‌هاست. زنان در بسیاری از جوامع، به ویژه در جوامع انقلابی و در حال توسعه و بعضاً پیشرفته، مرز ارزش‌ها بوده و هستند. مثلاً سمبل آزادی در فرانسه یک زن (ژاندارک) بود و مجسمه آزادی در آمریکا نیز پیکره یک زن است. در ایران نیز زنان به عنوان سمبل آزادی، شرافت، اصالت، نجابت، و تداوم بخش انقلاب در میان نسل آینده شناخته می‌شوند.

آنچه در این میان حایز اهمیت است آنکه اصولاً هویت زن ایرانی امروز، در ارتباط با مثلث ارزش‌های ایرانی، اسلامی و غربی قرار داشته و تعامل این سه ضلع مثلث، شرایطی برای آنان ایجاد کرده که با توجه به زمان و مکانی که در آن به سر می‌برند، بر فرایند هویت‌یابی آنان تأثیر گذاشته است. بررسی کوتاه تاریخی در خصوص هویت دینی زن ایرانی، حاکی از آن است که در زمان رضاشاه و در قضیه کشف حجاب، هویت دینی زنان ایرانی به شدت مورد تهدید قرار گرفت و باعث تغییرات رادیکالی در بخشی از زندگی آنها گردید که با تغییرات در سایر قسمت‌ها هماهنگ نبود و منجر به ایجاد بحران بزرگی برای بخش قابل توجهی از جامعه زنان شد. به رغم این که با افزایش سطح تحصیلات و اشتغال، برخی زنان هویت جدیدی یافتند، اما این دگرگونی هویتی، در ایجاد تحول اساسی و مؤثر در وضعیت روابط اجتماعی و شرایط زندگی روزمره برای اکثریت زنان، توفیق چندانی نیافت. به وجود آمدن زمینه‌های تحصیل و اشتغال، به دلیل عدم وجود ساختارهای حمایتی اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و فقدان قوانین مؤثر برای حمایت از زنان، حضور آنان را در خارج از خانه به عنوان نوعی مبارزه مطرح نمود که بعد از انقلاب نیز به نوعی ادامه یافته است. در دوران پهلوی، استفاده ابزاری از زنان به عنوان پوششی برای اجرای سیاست‌های نوگرایی و استقرار ارزش‌های غربی، جهت بالا بردن مصرف و رواج تقلید الگوهای غربی، که از بطن و متن جامعه نشأت نگرفته بود، باعث در هم ریختگی اجتماعی و نارضایتی قشر وسیعی از زنان گردید که همراهی و ایفای نقش مؤثر آنان در جریان انقلاب اسلامی نیز دلیلی بر این مدعا است.

در این میان، برخی از زنان، انعطاف‌پذیری بیشتری در پذیرش الگوها و ارزش‌های توزیع و تجویز شده، از خود نشان می‌دادند و عده‌ای از زنان و خانواده آنها در مقابل این تغییرات مقاومت می‌کردند. وجود جریان‌های مقاومت و مبارزه با این موج فزاینده، تغییر چندانی برای عامه زنان به ارمغان نیاورد. در واقع، در ایران نیز همانند برخی کشورهای دیگر، زنان از قربانیان روند نوگرایی به حساب می‌آیند.

البته پس از انقلاب ۱۳۵۷ کوشش‌های زیادی برای باز تعریف هویت واقعی زن مسلمان ایرانی به عمل آمده است، اما تاکنون تعریف مشخصی از زن مسلمان ایرانی ارائه نگردیده است. ویژگی‌های یک زن مسلمان ایرانی از منظر خودش چیست؟ و چه عوامل اجتماعی در این دیدگاه موثر است؟ هرچند در راه پاسخ به این سوالات گام‌هایی برداشته شده است و در سطح جامعه نیز برای گسترش و تحکیم ارزش‌های اسلامی به ویژه «حجاب» به عنوان نماد شرافت دوباره به دست آمده زن ایرانی، مقاومت و ایستادگی در برابر مدرنیسم غربی و غرب زدگی، نماد هویت ملی و مجوزی برای حضور زن در عرصه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، کوشش‌های فراوانی صورت گرفته است و علاوه بر مطرح بودن آن به مثابه یک ارزش و اصل اسلامی، نه تنها در ایران، بلکه در بسیاری از کشورها از آن به عنوان سمبل مبارزه و ایجاد هویت ملی یاد می‌شود، لیکن به نظر می‌رسد نقش خود زنان در ارائه تعریفی از هویت دینی‌شان و نقش‌های جدید اجتماعی متأثر از آن، بیش از پیش پررنگ است. در این میان توجه به عناصر اجتماعی موثر بر فرایند هویت‌یابی زنان، به ویژه در شکل بخشیدن به هویت دینی آنان و شدت و ضعف آن و همچنین بررسی علل و عوامل اجتماعی که به نحوی به ایجاد تغییرات در عرصه هویت دینی زنان منجر می‌گردد، مطمح نظر این پژوهش خواهد بود.

از جمله عوامل اجتماعی احتمالی موثر بر فرایند هویت‌یابی دینی زنان و تغییرات احتمالی آن به اختصار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: فرایند مدرن شدن (مدرنیزاسیون) جامعه و نهادهای اجتماعی و تأثیر آن بر سطح آگاهی‌ها (تحصیلات) و نقش‌های اجتماعی (اشتغال) زنان، بهره‌مندی زنان از انواع سرمایه‌های نمادین شامل سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی، مبادلات فرهنگی ناشی از جهانی شدن و تأثیرات رسانه‌های جمعی.

ضرورت و اهمیت پژوهش:

اهمیت جایگاه و نقش زنان به عنوان نیمی از افراد جامعه، به ویژه با توجه به نقش تربیتی و آموزشی آنان در فرایند جامعه‌پذیری و انتقال فرهنگ و همچنین افزایش روز افزون مشارکت آنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، امری غیر قابل انکار است. این مهم، با در نظر گرفتن افزایش سطح تحصیلات و آگاهی‌های زنان و تغییر نگاه جامعه نسبت به زنان و ارائه تعریف و تفسیر نوینی از هویت و نقش آنها در اجتماع، که از هویت «همسر» یا «مادر» بودن صرف، به سوی پذیرفتن زنان در قالب هویت‌های جدیدی مانند هویت‌های شغلی و علمی - تخصصی در حرکت است، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

از سوی دیگر، دین اسلام و آموزه‌های اعتقادی، اخلاقی و رفتاری آن، به عنوان یکی از منابع غنی و اساسی هویت ساز انسان ایرانی و زن ایرانی، مؤلفه‌ها و ویژگی‌های بشمارای را در قالب هویت «زن مسلمان ایرانی» جلوه‌گر می‌سازد که از این طریق، به نسل‌های آینده نیز منتقل می‌شود.

در حال حاضر با توجه به بازتاب تأثیرات مدرن شدن جامعه (مدرنیزاسیون)، گسترش فردگرایی، اهمیت یافتن عقلانیت و انتخاب فردی، تعدد و تکثر مبادلات فرهنگی در فرایند جهانی شدن، تنوع منابع هویت‌ساز و برخورداری زنان از انواع سرمایه‌های نمادین و... همه و همه سبب پیچیدگی ساز و کار هویت‌یابی و ایجاد هویت‌های جدید و چندپاره شده است.

ناگفته پیداست که این وضعیت در حوزه هویت‌یابی دینی هم صادق است. پیدایش انواع گروه‌ها و فرقه‌های مذهبی، ظهور مسلک‌های مختلف دینی که آداب خاصی را در بین اعضای خود تبلیغ می‌کنند، پدید آمدن سبک‌های متفاوت دینداری و همچنین وجود تفسیرها و برداشت‌های متنوع و مختلفی که از دین اسلام و آموزه‌های آن در میان اقشار گوناگون جامعه و از جمله زنان به چشم می‌خورد، خود شاهدی بر این مدعاست.

همین مسأله، باعث ایجاد دل‌مشغولی و دغدغه ذهنی برای بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران دلسوز و دین‌مداری شده است که در پی حفظ ارزش‌های اسلامی و فرهنگ دینی در میان آحاد مردم و به ویژه زنان، به عنوان عناصر اصلی فرهنگ ساز جامعه، هستند. از این رو حصول شناخت دقیقی از هویت دینی